



مفهوم زمان در فعلهای ترکیبی*
عبدالجبّار توامی | ترجمه و اقتباس: یعقوب جعفری

اشاره

فعلهای ترکیبی گوناگونی که در آیات قرآنی به کار رفته، هر کدام بر زمان خاص و دقیقی دلالت می‌کند که غفلت مترجم قرآن از آنها باعث لغزش او در برگردان آیه می‌شود. در تمام زبانها، به ویژه در زبان عربی، بررسی ساختارهای فعلی که دلالت بر زمان می‌کنند از مهم‌ترین موضوعات «فعل» و توابع نحوی آن در زبان‌شناسی به شمار می‌رود. این بدان جهت است که فهم زمانهای گوناگون که از فعل یا صفتی در ترکیب جمله به دست می‌آید امری ضروری است و برای رسیدن به معنای متن و دلالت جمله‌هایی که بر اساس مبانی صرفی صیغه‌های زمانی بسیط یا مرکب در آنها به کار رفته باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.

سه زمان گذشته، حال و آینده و جهاتی که از هر یک به دست می‌آید، در زبان عربی از طریق صیغه‌های فعل و صفت و پیوستهای آنها حاصل می‌شود و به وسیله آنهاست که به زمانهای دقیقی می‌توان رسید.

زبان عربی از نظر صیغه‌ها و زمانهای ترکیبی بسیار غنی و از بقیه زبانهای سامی همخانواده متمایز است. در زبان عربی، همان‌گونه که مستشرق آلمانی «برگشتراسر» می‌گوید، صیغه‌های فعل از دو طریق بر زمانهای متنوع دلالت می‌کند: نخست از طریق ادواتی مانند «قد» و «لن»، و دوم از طریق افعال کمکی، مانند «کان» و اخوات آن. بنابراین افعال

عربی از نظر غنا و تنوع، همسان با افعال زبانهای غربی و یا بهتر بگوییم احیاناً غنی تر از آنهاست.

قرآن کریم به عنوان کتاب جاودان زبان عربی و نمونه والای فصاحت، مثالهای بسیاری از صیغه‌های زمانی دارد که به وضوح بر زمانها و جهات گوناگون دلالت می‌کنند و با مقایسه برخی از این صیغه‌ها در عربی با معادل آنها در زبان فرانسه مشابتهای ویژه‌ای در دو زبان عربی و فرانسه در تعبیر از زمانهای گوناگون می‌بینیم.

در اینجا بحث را بر فعل ماضی و زمانهای مختلفی که بر آن دلالت می‌کند متمرکز می‌کنیم که مشهورترین آنها، ماضی بسیط، ماضی مطلق، ماضی نزدیک، ماضی دور و ماضی استمراری است.

زمان در زبان عربی یک پدیده نحوی است که تنها با توجه به سیاق جمله قابل فهم است؛ یعنی زمان نحوی (در برابر زمان صرفی) اساساً با قراین موجود در سیاق به دست می‌آید؛ همان گونه که در زبانهای غربی مانند فرانسه نیز امر بدین منوال است و زمان در آن، مقوله نحوی یا مقوله ترکیب فعلی به شمار می‌رود و غالباً از آن به «سابقه‌های فعل» تعبیر می‌شود و در ظرفهای زمانی گذشته، حال و آینده قرار می‌گیرد.

وقتی از مقوله‌ای که مطلبی آن را «زمان صرفی» می‌نامد عبور کنیم، با شبکه گسترده‌ای از زمانها روبه‌رو می‌شویم که بافت آن از صیغه‌های فعلی و پدیده‌های نحوی خاصی است که از آن تولید می‌شوند، علاوه بر صیغه‌های زمانی غیر فعلی و صیغه‌های مرکب و نیز قراین موجود با ملاحظه جمله‌ها و ساختارهای لغوی که این صیغه در آنها قرار گرفته است، به اضافه ارتباطهای زمانی از جهت دلالت سیاق (نک. الزمن واللغة، ۸۳). به همین جهت است که امروزه محققان، این اندیشه را که در زبان عربی صیغه فعل به تنهایی دلالت بر زمان می‌کند به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهند و به عکس این نظر معتقدند که در زبان عربی چیزی به نام زمان صرفی نداریم و دلالت فعل بر زمان را بدون در نظر گرفتن مورد استعمال آن رد می‌کنند (همان، ۱۶).

زمان نحوی در زبان عربی

مستشرق آلمانی «برگشتراسر» در بررسیهای خود به این نتیجه رسیده که زبان عربی در

□ ۹۹ مفهوم زمان در فعلهای ترکیبی

تنوع معانی صیغه‌های فعل از دیگر زبانهای سامی متمایز است و سبب آن دو چیز است:

اول: همراه شدن فعل با ادوات گوناگونی مانند: «قد»، «لن»، «سوف» در «قد فعل»، «قد یفعل»، «سیفعل» و «لن یفعل».

دوم: همراه شدن فعل با افعال کمکی، مانند «کان» و دیگر افعال ناقصه در «کان قد فعل»، «کان یفعل»، «سیکون قد فعل».

با این ادوات، زبان عربی در تنوع زمانی شبیه زبانهای غربی است و گاه از آن هم غنی‌تر است (التطور النحوی للغة العربیة، برگشتراسر، ص ۵۷ و ۵۸).

مطلبی که این مستشرق گفته، نشان دهنده اختلافی است که میان مستشرقان درباره «زمان در زبان عربی» وجود دارد. بسیاری از مستشرقان زبان عربی را در این جهت فقیر می‌دانند، در حالی که برگشتراسر آن را غنی‌ترین زبان در این جهت معرفی می‌کند. به نظر بعضی از محققان جدید، تحقیقات برگشتراسر مستند به چیزی است که صیغه‌های فعلی مرکب نامیده می‌شود. برخی از لغت‌شناسان عرب هم سخنان او را تکرار کرده‌اند. (الزمن و اللغة، ۱۰۰).

گروهی از لغت‌شناسان معاصر عرب گفته‌اند توانایی زبان عربی در تعبیر از زمانهای دقیق از راه ساختن صیغه‌های مرکب است (نک. فی النحو العربی نقد و توجیه ۱۴۸، الفعل زمانه وأبئته، از سامرایی ۲۵؛ علم اللغة العربیة، از محمود فهمی ۳۶).

این لغت‌شناسان ملاحظه کردند که زبان عربی هم مانند زبانهای غربی با ساختن صیغه‌های مرکب بر زمان دقیقی دلالت می‌کند و آن با ترکیب فعلهای معمولی با فعلهای کمکی و ساختن صیغه‌های زمانی مرکب حاصل می‌شود.

از مهم‌ترین فعلهای کمکی که دلالت بر زمانهای گوناگون دارد، فعل «کان» و اخوات آن است. این فعلها به اضافه فعلهای شروع و مقاربه بر چیزی جز زمان دلالت نمی‌کنند و به خود رخداد یا کاری که در آن زمان اتفاق افتاده، کاری ندارند. و لذا لغت‌شناسان جدید پیشنهاد کرده‌اند که این فعلها، افعال کمکی *Verbes auxiliaires* نامگذاری شوند، چون وقتی اینها بر جمله اسمیه وارد می‌شوند، کمک می‌کنند که اسم در حیطه زمان معینی قرار گیرد و وقتی بر جمله فعلیه وارد می‌شوند کمک می‌کنند که آن فعل بر زمانهای خاصی دلالت کند و ارتباط دو فعل با دو رخداد را مشخص می‌کنند.

به نظر نحویان «کان» در اصل بر ماضی منقطع دلالت می‌کند ولی گاهی بر زمان مستمر

دلالت دارد، مانند «وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا» (فرقان، ۵۴). یعنی هنگامی که کان با صفات خدا همراه باشد دلالت بر استمرار می‌کند. (معانی القرآن، فراء ۲/۴۰۳ و قواعد الصرف والنحو فی اللغة العربية از احمد بن حموده، ص ۱۸) و نیز «کان» وقتی به فعل ضمیمه می‌شود، بر زمان منقطع دلالت می‌کند، مانند «کان فعل» یا «کان قد فعل» (فی النحو العربی نقد و توجیه، ۱۳۱) و نیز گاهی به صورت فعل کمکی بر «یفعل» وارد می‌شود و بر ماضی استمراری دلالت می‌کند (قواعد الصرف و النحو، ص ۱۸). البته به «کان» فعلهای دیگری نیز ضمیمه می‌شود که بر زمانهای گوناگونی دلالت می‌کنند، مانند مستقبل در ماضی یا ماضی در مستقبل.

افعال دیگری هم وجود دارند که بر زمانهای خاصی دلالت می‌کنند، مانند «أصبح»، «امسى»، «بات» و... این گونه فعلها بر استمرار در زمانهای خاصی دلالت می‌کنند، مثلاً «بات» برای استمرار در شب است (دراسات نقدية فی النحو العربی، تألیف عبدالرحمن ایوب، ۱۸۱). صیغه «یفعل» وقتی با یکی از این افعال همراه شد مثل «بات یفعل» بر استمرار در همان زمانی که فعل در آن اتفاق افتاده است دلالت می‌کند. (زمن الفعل فی اللغة العربية، ۴۹).

فعلهایی هم که دلالت بر استمرار دارند مانند: «مازال»، «ما برح»، «ما فتی»، «مادام»، «ما انفک» و... یا بر استمرار عام و یا بر ملازمت صفت با موصوف از زمانی که پدید آمده، دلالت دارند. البته دلالت آن بستگی به جمله پیشین دارد، اگر در جمله پیشین زمان متصل باشد استمرار متصل و اگر اوقات خاصی باشد استمرار در آن اوقات را می‌رساند. (همع الهوامع، ۱۱۲/۱).

افعال مقاربه (کاد و اخوات آن) نیز از فعلهای کمکی به شمار می‌روند و از جهت ضمیمه شدن به فعلهای دیگر مانند «کان» هستند ولی دلالت بر زمان شروع یا مقاربه و همزمانی دارند و این هر دو، هم در ماضی و هم در مستقبل کاربرد دارد. بنابراین، این افعال، ادوات فعلی یا فعلهای کمکی هستند و آنها را افعال «دنوّ» هم می‌نامند که به معنای مقاربه و همزمانی است. منظور از همزمانی که این فعلها بر آن دلالت دارند این است که زمان جمله‌ای که پس از این ادوات قرار می‌گیرد، ماضی نزدیک است و با «کاد و اخوات آن» از همزمانی در گذشته و یا آینده خبر داده می‌شود. مثلاً «کاد یقوم امس = نزدیک بود دیروز برخیزد» یا «یکاد یخرج غداً = نزدیک است که فردا خارج شود» در هر دو صورت فعل و یفعل همان نزدیکی زمان فعل در ماضی و مضارع است.

□ ۱۰۱ مفهوم زمان در فعلهای ترکیبی

اما ادوات شروع مانند «اخذ»، «جعل» به معنای آغاز و شروع فعل است که پس از آنها قرار گرفته است و البته اینها فقط بر زمان گذشته دلالت می‌کند، چون این ادوات برای اثبات وقوع فعل در همان حال است (الفعل، زمانه واینته ص ۳۲) بنابراین حتی اگر این ادوات همراه با فعل مضارع هم باشند معنای شروع فعل را می‌دهند. صیغه «اخذ یفعل» و مانند آن دلالت بر ماضی شروعی می‌کنند.

صیغه‌های زمانی در قرآن کریم

از آنچه گفته شد، معلوم گردید که فعل در زبان عربی به صورت ترکیب نحوی، بیشتر زمانهایی را که افعال در زبانهای غربی و به خصوص زبان فرانسه بر آن دلالت می‌کنند، دربر می‌گیرد و بسیاری از صیغه‌های فعل عربی به صورت مرکب بر زمانهای ویژه‌ای در گذشته و حال و آینده دلالت می‌کنند. قرآن کریم به اعتبار اینکه مهم‌ترین کتاب تدوین شده در زبان عربی است صیغه‌های بسیط و مرکب را برای افاده همان زمانها به کار برده است. مهم‌ترین صیغه‌های زمانی که در قرآن می‌بینیم به قرار زیر است:

صیغه «فَعَلَ»

این صیغه معمولاً در ماضی مطلق به کار می‌رود و در آن هیچ اشاره‌ای به وضعیت خاصی مانند نزدیکی، دوری و استمرار نیست و لذا به صورت بسیط است و پسوند و پیشوندی ندارد که آن را به زمان دقیق خاصی بکشاند. این صیغه بسیط را معمولاً در ماضی مطلق به کار می‌برند، مانند «دخل الزائرون = بازدید کنندگان وارد شدند» که در اینجا منظور فقط خبر دادن از ورود است.

بنابراین صیغه فَعَلَ بر یک زمان نامحدود در ماضی دلالت می‌کند یعنی اینکه احتمال دارد ماضی دور باشد و احتمال دارد ماضی نزدیک باشد. گاهی هم دلالت بر این معنا دارد که آن حادثه به طور مکرر اتفاق افتاده است مانند: «اشرقت الشمس» و یا با همراه شدن با یک ظرف زمانی دلالت بر ماضی بعید می‌کند، مانند: «وَأَلْبَانًا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ» (حجر، ۲۷).

صیغه «قد فعل»

این صیغه در زبان عربی، معمولاً در ماضی نزدیک متصل به زمان حال به کار می‌رود. «کفوی» می‌گوید: «فعل ماضی می‌تواند بر هر جزئی از اجزای زمان گذشته دلالت کند و چون «قد» بر آن داخل شد، آن را به زمان حال نزدیک می‌کند و سایر اجزای زمان از دلالت آن بیرون می‌رود» (الکلیات، ۴۵۸). مستشرق روسی «کراچکوفسکی» این نوع ماضی را «ماضی محدود» می‌نامد و مستشرق دیگر «ویلیام رایت» گفته است که صیغه «فَعَلَ» در قرآن فراوان به کار رفته و برای گزارش حوادثی است که در گذشته اتفاق افتاده و به زمان حال متصل نیست. به عنوان نمونه چند آیه را می‌آوریم.

- وَدَخَلَ مَعَهُ السَّجَنَ فَتَيَانِ (یوسف، ۳۶) در این آیه هدف گزارش یک جریان تاریخی است که متصل به زمان تکلم نیست و «دخل» بر ماضی مطلق دلالت می‌کند.

- وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ (هود، ۴۴). در این آیه بخشهایی از جریان طوفان نوح با ماضی بسیط «غیض»، «قضی» و «استوت» نقل شده و فقط بر تتابع حوادث در گذشته دلالت می‌کند و زمان خاصی مورد نظر نیست.

- وَلَبِثُوا فِي كَهْنِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةِ سِنِينَ وَأَزْدَادُوا تِسْعًا (کهف، ۲۵) در این آیه فعل «لبثوا» ماضی بسیط است و اگر بر وقوع فعل و استمرار آن در یک مدت طولانی (سیصد و نه سال) دلالت می‌کند، به سبب معنای لغوی «لبثوا» است وگرنه صیغه فعل چنین دلالتی ندارد.

- وَقَطَعْنَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَّوْنَاَهُم بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ. فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ (اعراف، ۱۶۸-۱۶۹) این دو آیه که مربوط به بنی اسرائیل است حوادثی را که برای آنها در زمانهای گوناگون اتفاق افتاده گزارش می‌کند که پشت سرهم بوده است و در عین حال فعلها (قَطَعْنَاَهُمْ، بَلَّوْنَاَهُمْ، خَلَفَ، وَرِثُوا) به صورت ماضی بسیط هستند که معنای استمرار نمی‌دهند.

مطلب دیگری که ذکر آن لازم است این است که در آیات بسیاری از قرآن کریم، به‌خصوص در مقام نقل قصه‌ها، صیغه «فَعَلَ» بعد از کلمه «اذ» یا «واذ» آمده است. در این گونه آیات «اذ» بیشتر برای جلب توجه خواننده است و در زمان فعل تأثیری ندارد و فعل به همان معنای ماضی بسیط یا مطلق است، مانند:

- إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ. إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ (صافات، ۸۳-۸۵)

□ ۱۰۳ مفهوم زمان در فعلهای ترکیبی

- وَإِذْ أَسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ (بقره، ۶۰)

- وَإِذْ أُنزِلَتْ إِبرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ (بقره، ۱۲۴)

- وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا (بقره، ۱۲۵)

- وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ (آل عمران، ۱۸۷)

که به وقوع حادثه در زمان پیش از تکلم اشاره می‌کند...

برای همین است که دانشمندان نحوی تصریح کرده‌اند که هرگاه در یک جمله حالیه، ماضی به صورت حال باشد، باید همراه با «قد» باشد که گاهی در جمله ظاهر است و گاهی مقدر، مانند: جَاءُوكُمْ حَصْرَتٌ صُدُورُهُمْ (نساء، ۹۰) که در تقدیر «قد حصرت» است، چون «قد» ماضی را به زمان حال می‌کشاند و لذا جایز است که ظرف زمانی مربوط به حال را به «قد فعل» ملحق کرد، مانند: «قد قام الآن». همان گونه که «لَمَّا» در نفی ماضی متصل به حال به کار می‌رود. همچنین صیغه «قد فعل» گاهی بر ماضی مؤکد و محقق الوقوع دلالت می‌کند به طوری که هر گونه شک در وقوع حادثه در ماضی را نفی می‌کند و در این حالت بر ماضی نزدیک دلالت نمی‌کند، مانند: لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ (هود، ۳۶)

بنابراین «قد فعل» دو معنای متفاوت دارد که باید با توجه به سیاق جمله آن دو را از هم تشخیص داد.

اکنون به چند آیه که در آنها صیغه «قد فعل» به کار رفته است توجه کنید:

- فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ (هود، ۵۷). از سیاق آیه معلوم است که فعل «ابلاغ» در زمانی نزدیک به زمان تکلم صورت گرفته و اصلاً ابلاغ متصل به زمان حال بوده است.

- يَا إِبرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرٌ رَبِّكَ (هود، ۷۶) در این آیه خداوند خطاب به ابراهیم از وی می‌خواهد که از سخن گفتن درباره قوم لوط اعراض کند، چون قضای الهی درباره هلاکت آن قوم حتمی شده است و «قد جاء» برای تأکید است نه نزدیک بودن ماضی به زمان حال.

- قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا (یوسف، ۹۰) در این آیه از زبان یوسف به برادرانش که او را غرق در نعمتهای خدا می‌دیدند، گفته شده: «قد مَنَّ الله علينا». این فعل برای ماضی قریب است و علاوه بر نزدیکی زمان وقوع فعل، بر مداومت و استمرار آن تا زمان

حاضر نیز دلالت می‌کند به گونه‌ای که گویا هم اکنون هم نعمتهای الهی موجود است.

صیغه «کان فعل»

این صیغه در زبان عربی غالباً در ماضی بعید یا منقطع به کار می‌رود. معنای دیگری را هم حامد عبدالقادر گفته به این بیان که صیغه «کان فعل» در جایی به کار می‌رود که دو حادثه که گذشته اتفاق افتاده باشد؛ حادثه قبلی را با «کان فعل» و حادثه بعدی را با «فعل» بیان می‌کنند که دلالت بر تقدّم زمانی یک حادثه دیگر می‌کند تا معلوم شود که دو حادثه همزمان اتفاق نیفتاده است و صیغه ماضی بعید برای دلالت بر فعل قبلی و سابق به کار می‌رود (معانی الماضی والمضارع فی القرآن الکریم، مجله مجمع اللغة العربیة، ش ۱۰، ص ۶۶).

گاهی هم به صیغه «کان فعل» «قد» اضافه می‌شود به صورت «قد کان فعل» که در این صورت «قد» نه برای تقریب زمان ماضی به حال بلکه فقط برای تأکید است. به این آیات توجه کنید:

وَ حَمَلْنَا عَلَى ذَاتِ الْأَوَاحِ وَ دُسِّرَ تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَنْ كَانَ كُفِرًا. حامد عبدالقادر در تحلیل معنای زمان افعال در این آیه می‌گوید: این آیه بر وقوع دو کار در گذشته دلالت می‌کند: نخست حمل قوم نوح در کشتی توسط خداوند و نجات آنها از غرق شدن. دوم، کفر قوم نوح. معلوم است که کفر قوم نوح جلوتر از زمان حمل قوم نوح بر کشتی است (هرچند که در جمله مؤخر از آن ذکر شده است) ولی ذکر حمل بر کشتی به صورت ماضی مطلق و کفر قوم به صورت «کان کفر» ترتیب زمانی را مشخص می‌کند. (معانی الماضی والمضارع فی القرآن الکریم، همان).

- أَوْ لَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِنْ قَبْلِ مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالِ (ابراهیم، ۴۴). در این آیه «لم تکنونوا اقسمتم» به معنای ماضی بعید است، چون مضارع منفی با «لم» معنای ماضی می‌دهد و در واقع منفی «کان فعل» است، ولی فعل بعد از خود را منفی نمی‌کند و فقط بر بعید بودن یا منقطع بودن فعل «اقسمتم» دلالت می‌کند. البته این مفهوم به دلیل استفهامی بودن جمله است.

- وَ لَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلِ (احزاب، ۱۵) در این آیه که از باب «کان قد فعل» است، کان زمان فعل بعد از خود را ماضی بعید یا منقطع می‌کند و «قد» که به تنهایی بر ماضی نزدیک و متصل به زمان حال دلالت دارد، در اینجا به سبب همراهی با «کان» فقط معنای تأکید و بر

طرف کردن شک می دهد.

صیغه «کان یفعل»

دیدیم که «کان» اگر همراه با ماضی باشد آن را به ماضی بعید یا منقطع می کشاند ولی اگر همراه با مضارع و به صورت «کان یفعل» باشد، به استمرار فعل و گاهی هم بر تعدد و کثرت وقوع آن در گذشته دلالت می کند؛ به این معنا که آن فعل همواره اتفاق می افتاده است. وقتی می گوئیم: «کان النبی یوصی بمعاملة الجار بالحسنى» منظور این است که پیامبر همواره و به کرات چنین سفارش می کرد. در واقع «کان یفعل» بر معنای جریان عادی و مکرر فعل در گذشته دلالت می کند.

علاوه بر «کان»، فعلهای کمکی دیگری مانند: اصبح، امسى، بات، ظل و.. نیز با «یفعل» همراه می شوند و آنها هم بر استمرار و تعدد فعل در زمان خاص (مانند صبح و شام) دلالت می کنند. به چند آیه که در آنها «کان یفعل» به کار رفته است توجه فرمایید.

- إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (نبأ، ۲۷) در این آیه که مربوط به کافران و منکران معاد است منظور، بیان فصاحت حال کافران و گمراهی مستمر آنان است که همواره و لحظه به لحظه در آن قرار داشتند و برای همین سرانجام شومی یافتند.

- كَلَّا بَلْ رَأَىٰ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (مطففين، ۱۴) این که در آیه شریفه از «ماکسبوا» استفاده نشده و «ما کانونا یکسبون» به کار رفته، بر این نکته دلالت می کند که آنچه در قلوب آنها وارد شده چیزی است که همواره با آنان بوده است و فعل مضارع «یکسبون» بر تکرر کسب آنها دلالت دارد و ترکیب استقرار و تکرار، این معنا را می رساند که این به صورت یک شیوه و عادت برای آنها بوده است، به گونه ای که کنار گذاشتن آن برایشان دشوار بوده است.

- وَقِيلَ لَهُمْ أَأَيُّ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (شعراء، ۹۲) معلوم است که زمان این فعل مرکب یعنی «کنتم تعبدون» ماضی استمراری است به این معنا که انجام عبادت در برابر بتها عادت مستمر آنها بوده و آنها از این عادت تخلف نمی کردند.

نتیجه و خلاصه بحث

از آنچه گفتیم، روشن شد که ترجمه صیغه های زمانی در قرآن به هر زبان دیگری، دقیق و صحیح نخواهد بود مگر اینکه مترجم به قراین زمان نحوی توجه لازم را داشته باشد و صیغه

□ ۱۰۶ ترجمان وحی

فعل و ادواتی که در آن به کار رفته و پیوندهای ترکیبی افعال و مانند آنها و کاربرد هر یک را مورد عنایت قرار داده باشد.

این نکته را هم اضافه کنیم که ترجمه فعلهای کمکی و یا ادوات موجود در جمله، بدون توجه به فعل همراه آنها و موقعیتی که در جمله دارد، همیشه درست شکل نمی‌گیرد و باید سیاق جمله کاملاً مد نظر باشد.

پدیده‌ای که در این مقاله از آن سخن گفتیم مخصوص زبان عربی نیست بلکه هر زبان دیگری نیز ممکن است این پدیده را داشته باشد، ولی هر زبانی قواعد خاص خود را دارد. بسیاری از لغزشهایی که در ترجمه معانی صیغه‌های زمانی در آیات قرآنی به وجود می‌آید، نتیجه عدم توجه به مفاهیم دقیق زمانی در صیغه‌های افعال است.

